

اصل کلیت به عنوان چارچوب طراحی شهر ایرانی - اسلامی*

نصبیه چرب گو**

^۱ کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۳۰)

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۵)

چکیده

امروزه بیشتر دیدگاه‌ها نسبت به مقوله‌های شهری ناشی از زمینه‌ای است که در آن تفکر جزئی‌نگری حاکم است. با این وجود، افراد گوناگون بر آن شدند تا با استفاده از مفهوم‌های طرح شده در فیزیک کوانتوم، همچون کلیت، چارچوب تازه‌ای در برخورد با آن مقوله‌ها بیابند. پیشینه حقیقی این مفهوم به فلسفه و حکمت شرق بازمی‌گردد و بازنمود آن در طراحی شهرهای ایرانی - اسلامی قابل مشاهده است. در این مقاله، نظریه کلیت به عنوان چهارچوبی برای رویارویی با مسائل مطرح در طراحی شهری، مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم کلیت به عنوان یکی از اصل‌های کلیدی شهرهای ایرانی - اسلامی با استفاده از رویکرد کیفی و تحلیلی - تطبیقی مطالعه شده است. در این تحلیل تطبیقی، ایده‌های ارائه شده به وسیله افرادی چون الکساندر و سایر اندیشمندان که شهرهای ایرانی - اسلامی را مورد کنکاش قرار داده‌اند، بررسی گردیده است. به این منظور، ابتدا به پیشینه و تعریف خاص آن پرداخته و سپس انطباق آن با شهرسازی ایرانی - اسلامی بیان می‌گردد. در انتها با مطالعه نمونه موردی اصفهان دوران صفوی به عنوان یک کلیت، درستی این فرضیه اثبات می‌گردد. اصفهان دوران صفوی حاصل روابط غنی بین ساختارهای طبیعی و دست‌ساز است که در آن به پشتوانه کلیت ذهنی حاکم بر اندیشه انسان سنتی، نقطه‌های رویارویی و هم‌پوشانی این ساختارها، مرکزهای قوی‌ای را شکل می‌دهند که در تقویت این کلیت موثر بوده است.

واژگان کلیدی: اصل کلیت، شهرسازی ایرانی - اسلامی، اصفهان، ساختار، هم‌پوشانی.

* این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «طراحی شهری با رویکرد کل نگرانه در مقیاس محله»، به راهنمایی دکتر سید حسین بحرینی می‌باشد که به لطف ایشان، اینجانب به عنوان نویسنده محسوب گردیده‌ام.

Wholeness as a framework in Iranian- Islamic Urban Design

Nasibeh Charbgo

M. A in Urban Design, University of Tehran

Abstract:

Nowadays, most views about urban issues come from a context of fragmented thinking. Though, different people decided to find a new framework for facing issues by use of concepts considered in quantum physics like the concept of wholeness. Real history of this concept goes back to philosophy and mysticism of east, and its representation is observable in Iranian-Islamic cities. In this paper, wholeness as a theory is considered for encountering with arising problem in urban design. The concept of wholeness is reviewed as a major principle in Iranian-Islamic cities by qualitative approach and comparative analysis. In this analysis, ideas of scientists such as Alexander and others, who studied Iranian-Islamic cities, were regarded. Therefore, with the purpose of introducing this concept, first, history and definition of wholeness and then its correspondence with Iranian-Islamic urban design is discussed. Finally, with study of Esfahan in Safaviyyeh period as an instance of wholeness, accuracy of this claim would be proven. Esfahan in that period was the outcome of rich relations between natural and man-made structures. In this case, by the support of subjective wholeness governs mind of traditional man, strong centers were formed in confronting and the overlap points of structures, which intensify the wholeness of the city.

Keywords: Wholeness, Iranian-Islamic urban design, Esfahan, Structure, overlap.